

نامه سرگشاده کمیته حزب توده مانند ستو کس

« تأمین و تضمین » برای فروش نفت شوروی میخواند - قطع رابطه « پیدرنک و برای همیشه »

بادول غربی و داشتن روابطی از نوع دمو کراسی - های موسوم به توده ایرا شرط لازم برای

دادن « تأمین و تضمین » شوروی تلقی میکند

نامه سرگشاده « کمیته مرکزی حزب توده ایران » بدکتر مصدق نخست وزیر که خیلی بلند بالا و دوازده ستون را اغفال کرده است یازده ستون و نیمش عبارت از تبلیغ تهمت ها و افتراهای هزار بار تکرار شده است و در حدود نیم صفحه آن عبارت از استنتاج خیلی منطقی و دیالکتیکی است که با صراحت تمام پیشنهاد میکند که رفتار پرکار مصدق حاضر نشود با انگلیس ها ادامه دهد با شوروی ها و سایر دموکراسی های « آزاد » بکند

نتیجه نهایی که کمیته مرکزی حزب توده ایران گرفته است:

« مسئله مسامله نفت با مسامله کشتی و برنج تفاوت زیاد دارد، دولتی که نفت « می خورد قسمتی از اقتصاد خود را بر پایه این خرید متکی می سازد و از این « رومستله » تأمین و تضمین « فروش نفت برای هر کشور خریدار اهمیت « فوق العاده دارد هیچ کشوری حاضر نخواهد شد بدون اینکه تأمین کافی « داشته باشد سر نوشت اقتصاد و صنایع خود را بر پایه ادعای تبلیغاتی شما « قرار دهد »
غروب دولت کنید این جملات بالا را آنای ستو کس بنام تراست های متعده نفت انگلستان ایران بکنید این جملات را که عین تقاضای یکسال پیش انگلستان است تازه کمیته مرکزی حزب مترقی توده است که بنام ملت ایران و بنفع یک دولت اجنبی از دکتر مصدق تقاضای کند.

موقعیت حزب ما

ایدئولوژی سوسیالیستی که توسط نویسندگان حزب توده بهمد از شهر یور به جامعه ما عرضه شد تنها ایدئولوژی بود که توانست گمراهی کثیری از معرومین را بخود جلب کند و بکم آن تشکیلات منظم و نیرومندی بوجود آید که اکثر افراد روشن فکرو مترقی و همچنین توده بزرگ محروم کشور ما ایدآل ها و آرزوی خود را در پیروزی های آن مجسم بیندولی عدهای از ابداع کنندگان این سازمان وعدهای عرضه کنندگان این ایدئولوژی به هیچوجه منظورشان رسیدن به هدف های اعلام شده نبود آنها در زیر ماسک این ایدئولوژی طبق نقشه کار دیگری میگردید، استادان بزرگ تبلیغاتی بان اسلاویم میدانستند که با عرضه کردن این ایدئولوژی و با اعمال تکنیک های عملی و تشکیلاتی که

از بزرگترین اختراعات عصر حاضر است چگونه میتوان از یک انسان وطن پرست و ملت دوست در مراحل مختلف یک اترانسونالیست دموکرات واقعی و سپس یک سوسیالیست و بعد یک کمونیست (بهرم مسکو) و بعد هایک منتمب روسی پرست ساخت . آنها بدون اینکه از افتراض ها و ناراحتی های وسیع افراد حزب ناراحت بشوند طبق نقشه کار خود ادامه دادند تا متأسفانه موفق شدند عدهای از بهترین افراد با استعداد و شرافتمند ملت ما را تبدیل بیکشت مردمان با اراده ای کنند بقیه در صفحه ۴

زحمتکشان ایران متحد شوید

شماره ۸ روزانه ۴ شنبه ۳۰ مهر ۱۳۳۱



ارگان حزب زحمتکشان ملت ایران

اخبار مخصوص

موسسات و کمپانیهای انگلیسی در ایران بر چیده خواهند شد سفارت انگلیس از معرفی تمام کارمندان خود ظفره میرود آنها که فریب بهشت موعود را خورده بودند بکشور خود باز میگردند - مجلس سنا تعطیل میشود ؟
کنکور دانشکده حقوق در دانشگاه انجام میشود
از داوطلبین ۸۰۰ نفر پذیرفته خواهند شد
فعالین حزب توده با ذربایجان رفته اند
وضع دانشجویان ایرانی مقیم آلمان خوب نیست
وضع تحصیلی دانش آموزان در صفحه ۴

کندوکا و روزنامه ها

بآنها که هینک دیگرانرا بچشم میزندند بسوی آینده نوشته های ما را تحریف میکنند بالاخره معلوم نشد دولت مصدق « ضد ملی » است یا نه
نادانهای که حسن نیت دارند، جامعه ای را بر باد میدهند - شهباز دست طلب بدولت « ضد ملی مصدق » دراز میکند
داد در برابر مرد آسیا ، هذیان میگوید

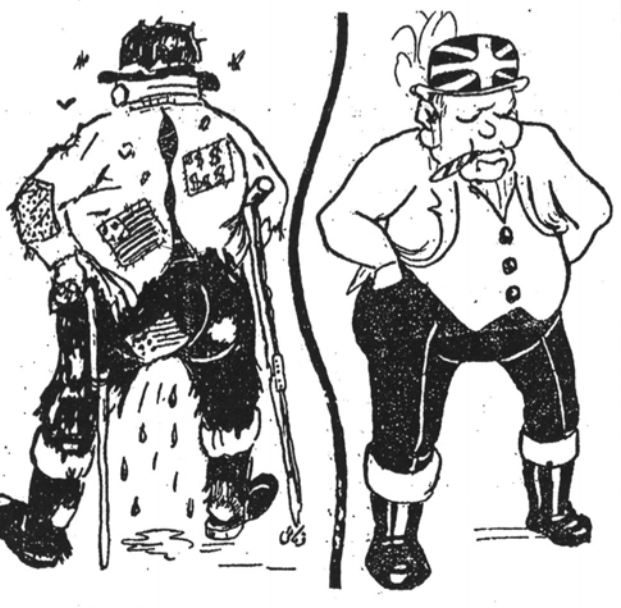
بازار مهر لاستیک سازی گرم گرم است!

« کمیته مرکزی میگوید چرا بلوک شوروی حاضر بخیرید نفت نیست امروز هم فراز شد روزنامه ها را « منکار کندوکاچی » کندوکا و کند، کمان میروند منکار کندوکاچی را شاخو خوانندگان روشنفکر « نیروی سوم » میشناسید، زیرا این همان همکاری است که سابقاً در روزنامه

درسی از گذشته

انقلاب و ارسوی
۳۰۰۰ نفر از مردم میهن پرست پایتخت لهستان در مدت ۲۴ روز بر اثر توطئه آلمان و شوروی کشته شدند و از این بیعدو و واضح آشکار شد که روسها بدون کمترین ضعف و تردیدی هر نیروی ملی و مستقل از شوروی را خواهند کوبید»
تقریباً هفت سال از روزی که هوآپیا های حامل بپ آم آمریکا شهرهای میروشیناو ناگازاکی را با خاک یکسان کردند میگذرد.
صحنه های فبیع این بیادان ها بقدری روح بشریت را آزرده و متاثر نموده است که صحنه های نظیر آن شاید تا تاریخ تراز آن ها را فراموش کرده و یا بای احتیاجی تلقی نموده است.
در قتل عام و ارسوی از ۱۰۰۰۰ تا

امپراطوری عظیم الشان



پشت روبرو

یکی از کارگران راه آهن خبر دروغ بسوی آینده را تکذیب میکند

راه خراب طالقان را مرتب کنید، جان و مال دهقانان طالقان در خطر است
تقریباً هیچیک از مالکین تنکابن و شوسوار حاضر بکسر صدی نیست از بهره مالکانه خود نیستند

طرنه داران آن شدیداً ابراز تنفر بنیامین سید حسن پور هاشمی بواسطه خرابی راه طالقان تاکنون خسارات جانی و مالی زیادی بدیهقانان طالقان وارد آمده است. این راه تاکنون دوبار مرمت شده است اما بر اثر سهل انگاری وعدم توجه کافی از طرف وزارت راه، مدت مدیدی است که جاده رو به خرابی رفته و بکلی ویران شده است. این جاده تنها راه وصول طالقان بدهات و شهرهای اطراف است. و روی همین اصل رفت آمد دهقانین و اهالی از این راه فوق العاده زیاد است، و باز بعلت همین تردد زیاد است که مرتباً دهقانان از لحاظ مالی و جانی - خسارت می بینند.

تکذیب

در شماره ۶۷۵ مورخ ۲۰ مهر ماه روزنامه ندای مردم بجای بسوی آینده از طرف اینجانب سید حسن پور هاشمی که بستری بودم پیامی بکارگران احتیاجی زاه آهن فرستاده بودم برای روشن شدن افکار مردم توضیح میدهم این پیام را روزنامه مزبور جعل کرده و اینجانب از آن اطلاعی نداشته ام و اصولاً من برای بدست آوردن حقوق خود اعتصاب کرده و معرجه شدم و فکر میکردم که این اعتصاب جنبه صنفی دارد غافل از آنکه پس از کشف قضیه بی بردم که این اعتصاب از طرف توده ای ها برای ایجاد تشنج و اختلال گری دامن زده میشود به همین جهت از بسوی آینده

خلیل ملکی

از مجله ماهیانه علم و زندگی
سه نوشت تاریخی لیبرالیسم در قرن اخیر
انسان نوین قرن بیست یعنی (انسان مضطرب و نگران)
چرخه جهانی اخیر تحولی در وضع اروپا نیست به بقیه جهان بوجود آورده بود مراکز صنعتی اروپا خراب و ویران شده و در عوض دموگرکری و تقویت باظرفیت صنعتی قویتر از سابق از بوت تا چنگ هالکیر بیرون آمده بودند

از خبر نگار پارلمانی ما

مخبر اطلاعات کتاب را با شراب اشتباه کرد طرحی که نخواهنده تصویب شد
نظقی که کسی گوش نکرد و نظقی که همه گوش کردند کهبید خیال میکند فلسفه با حقوق یکی است
وزیر کشور درس فلسفه گفت و از قرآن آیه عوضی خواند
ای بابا... خیال کردم شراب است در همین اثنا آقای شس قنات آبادی وارد باغ مجلس شدند از ایشان پرسیدم این که در بیضی از روزنامه ها نوشته بقیه در صفحه ۲

کتاب یا شراب

هنوز در داخل باغ مجلس خبر نگاران مشغول بر سه زدن بودند که یکی از مستخدمین مجلس از جلوو یک حال از عقب وارد شد
بر دوش باریک یک جبهه تخته ای بزرگ حمل میشد ولی روی آن را با کاغذ پوشانده بودند. خبر نگاران سر و گوش جنبانندند بییند در داخل جبهه « خبری » هست ولی مستخدم که از این تیب مردم سنج دلخور بود با بصیانت گفت:

تفسیر سیاسی

استیونسون یا آیزنهاور ؟
نظری با تمخبات ریاست جمهوری آمریکا و موقعیت کاندیدانهای دو حزب دمکرات و جمهوریخواه ، و مشی سیاسی هر یک از این دو در صورت احراز مقام ریاست جمهوری
درست ۱۴ روز دیگر به ۴ نوامبر روز انتخابات نهایی ریاست جمهوری آمریکا باقی مانده است تا ۵ میلیون رای دهنده آمریکایی کسی را که نمایل هستند در ۴ سال آینده رئیس جمهور باشد تعیین کنند.
اکنون مدت یکسال است که آمریکا وضع تقریباً مخصوصی داشته و میلیون ها دلار خرج تهیه تبلیغات برای رئیس جمهور میشود.
در این کشور ، کاندیدانهای ریاست بقیه در صفحه ۳

قابل توجه وزیر محترم فرهنگ

چرا حقوق مسلم لیسانسیه های دانشسرای عالی را پایمال می کنند
لیسانسیه های جدید دانشسرای عالی (علوم - ادبیات) که خود را آماده خدمت بشکوه و میهن خود می کنند و میخواهند از نتیجه کار و کوشش پانزده ساله خود بهره برداری کنند و بتعلیم و تربیت فرزندان این ملت خدمت گمارند با مشکلات فراوانی روبرو میشوند.
در سه سال پیش که از آنها تمهید گرفته اند ۵ سال خارج از تهران بتدریس بپردازند و یک هزار ریال حق لیسانس دریافت دارند . اکنون از آن تمهید نامه استفاده کرده و ۵ سال خارج از مرکز را میفرستند ولی بیکهزار ریال حق لیسانس را بقیه در صفحه ۲

همکاران مطبوعاتی ما

چون مدتی است « نیروی سوم روزانه » ارگان حزب منتشر میشود و « نیروی سوم هفتگی » نیز همچنان ارگان سازمان جوانان و روزهای جمعه منتشر میشود خواهشیم روزنامه خودتان را با قید « هفتگی » و « روزانه » در ذیل نیروی سوم برای ما بفرستید . چون سازمان اداری و تحریری این دو روزنامه کاملاً از هم جداست.

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قبول توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک، لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات، هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

طرحی که

بقیه از صفحه ۱
 این طرح برای غیر قانونی بودن سنا تهیه شده حقیقت دارد؟
 در جواب گفتند:
 از این فکرها هست
 آقای حاج سیدجوادی هم برای ملاقات با مکلین خود از سرسرا خارج شدند بعضی اینکه چشم قنات آبادی با او افتاد بطرفش حمله کرد و با اعتراض گفت:
 بابا چرا بیاد می منزل ما، صفائی آمده بود ...
 حاج سیدجوادی ابتدا گفت:
 والله نتوانستم
 اما بعد زیر لب بطوری که قنات آبادی نشود گفت: آمدن هم نداشت آمدن هم نداشت
 طرحی که نمایندگان نخوانده بآن رای دادند
 اما در داخل سرسرا و کردیدور ها همه اش صحبت از طرحی بود که روزیک شنبه راجع تشکیل دادگاه اختصاصی برای رسیدگی بر پرونده مسبین سی ام تیر تصویب شده بود.
 نمایندگان که طرح رای داده بودند معلوم شد خودشان اصلا طرح را نخوانده و بصحبتی ناظرین هم گوش ندادند منتها پس از تصویب طرح شاید صورتجلسه را مطالعه فرموده اند و با اظهار آن ها ایراد گرفته شده همه از تصویب طرح باین صورت ناراضی بنظر میرسیدند
 کریمی گویا با شایگان راجع به این طرح صحبت میکرد بعضی از نمایندگان هم بدتر شایگان میگفتند چون امامشاه کرده بودید ماری دادیم، بهرحال همه در فکر چاره بودند مخصوصا اینکه در طرح مذکور هیچگونه تجدید نظری پیش بینی نشده است. گویا طرح دیگری برای اصلاح آن از طرف نمایندگان تقدیم شود.
 خدایا بدانش برسد
 یکی از نمایندگان هجاش سیدجوادی گفت
 - چه طور شد اینقدر زود آمده بودی حاج سیدجوادی جواب داد:
 - آمدم برای قبل از دستور اسم بنویسم ولی کبهد علیه اللغه صبح زودتر ازمن از کرج آمده بود زیرک زاده و نریان هم یه چینی اما شب پنجشنبه این جا در اطراف آقای... خواهم خوب ایندها بچیکس سرم کلاه نگذارم
 صفائی هم شوری او فقط لبخندی تحویل داد اما یکی دیگر از نمایندگان گفت:
 - خدا پدای آقای... برسد.
 در همین اثنا که من خودم را بیکوشه ای کشیده بودم صفائی متوجه من شد به نام را چسبیده و از تحولات اخیر حزب زحمتکش پرسید یک نماینده ظالم میان حرف مادیوید گفت:
 - چیزی نیست... اللهم اشغل الظالمین بالظالمین
 یکی دیگر با جواب داد:
 خدا ظالمین را ملت کند.
 بهله!
 خبر رسید که در روزی با زنده است دوران دو ان وارد جلسه شدیم ولی در کرسی نمایندگان جز آقای نبوی که مشغول نوشتن بود کس دیگری دیده نشد
 در همین موقع خبرنگاری یکی از سه روزنامه عصر وارد شد که در جلسه گذشته دسته گلی بآب داده و بطنع میرا شرفی «خبر» چم کرده بود قدری این طرف آن طرف نگاه کرد مثل اینکه دنبال یک نفر میگشت بالاخره طاعت نیارده گفت.
 - خبرنگار بیرونی سوم کیست عرض کردم:
 - حقیر است.
 خبرنگار مزبور که میخواست پشت ما صفه بگذارد وقتی مرا دید جان خود و حرفی نزد ما سایر نگار اطلاعات گفت:
 - آشنادر آمدید؟
 او جواب داد:
 - بلاء!
 ساعت ۱۰:۰۰ بود که نایب رئیس اول پشت کرسی ریاست جلوس فرمود و ناظر زاده اسماعیلی و دیگران آمدگان را فراز کرد
 هده زبانی از نمایندگان دیر آمده بودند ومدت دیر آمدنشان هم کمتر از چهل و پنج دقیقه بود بعضی هم از یک ساعت بیشتر میشد. از همه بیشتر کتر قنایی شیرازی بود که یکساعت و چهل و پنج دقیقه دیر آمده بود و از این لحاظ رکورد شکست.

چرا حقوق

بقیه از صفحه ۱
 حذف می کنند. اگر قرارداد بود که این مبلغ جزئی حق لیسانس را بر داند سلسله عده ای از همین لیسانس ها آن تمدد را امضا نمیکردند
 در آغاز کار بملت عدم بود چه مدتی آنها را سرگردان کرده و این سرگردانی و سرگردانی دیگر که گریبان بهترین جوانان تحصیل کرده این کشور را گرفته است هنوز بملت کسر حق لیسانس ادامه دارد.
 جای تصیبات وزارت فرهنگ با آن دستکاه عریض و طویل خود هنوز که یکماه از آغاز سال تحصیلی نگذشته است آنجا با سرکار خود بفرستند. تدریس و تعلیم و تربیت نسل جوان این کشور که برای طبقه، حاکیه این کشور آتی جهت مایوس کردن جهت (دزد و دغل) با آوردن جوانان بمل خود ادامه میدهد. لایقند این کشور، دوستداران فرهنگ و تمدن را بفرستد و امیدارد.
 چرا دیر این را با دلتگرمی و با علاقه بماموریت روانه نمی کنید
 اگر قرار باشد هر چه اجناس میشود بیشترش بر دوش ملین وارد آید هر چه ستم میشود در مرتبه اول دیران مسود ستگری فرار گیرند باید فاتحه این-تعلیم و تربیت را خواند و از آن چشم پوشید.
 وقتی بنا باشد از پول نان و لباس و خرجهای ضروری دیران بر ندهد و بودجه های ناموزون و نالایق اضافه کنند، دیران و ملین ناچار میشوند که از راه غیر مشروع این قبیله را جبران کنند و تا لا-اتل از کرسی نریزند و بدیش سرگردان خود از باره بودن لباس خجالت کشند
 البته وقتی دیران حقوق مکتبی نداشته وقتی خرج و دخل آنها تا مل کند ناچارا کارنامه خواهند فروخت و امر خواهند داد.
 آیا مقصود از فرهنگ همین است اخیرا ۱۰۰۰ ریال حق لیسانس را از حقون دیران جدید حذف کرده اند.
 یک نفر دیر ملتا در بند عباس باندر جاسک پاروژی، ۱۰ تومان چگونه میتواند زندگی کند با توجه باین موضوع که اغلب با خانوادها خود هستند و خرج آنها هم بگردن اوست.
 وزیر لازم است دیران در جلوی شاگردان و دوستانش لباس پاره بر تن نداشته باشند و اگر دوستی درخواست کرد که بکنز او بیاید و خجالت نداشتن جا در چاه، دوستش رنگ برک نشود، باید در غیر اینصورت امتداد دارد بکنز دیر در فرستک ها دوراز مرکز صیبا ماموریت خود را انجام دهد
 ما بنا بدخواست یکصد نفر لیسانس جدید (۳۰-۳۱) تقاضا مینمایم
 ۱- هر چه زودتر مقرر یکنهزاد ریال حق لیسانس را برقرار کنند
 ۲- از اجفانات و فشار بیشتر بآنان خودداری نمایند هر چه زودتر آن را با بصل ماموریت روانه سازند

صرفون شت تاریخی

بقیه از صفحه ۱
 بیستم، اروپا بنسایت داشتن ظرفیت صنعتی عظیم و متحرک، قدرت انبساط و توسعه طامی پیدا کرده و جهانی را در قلمرو صنایع خود وارد ساخته و تسخیر کرده بود و شعار «فوق بظرف شرق» میداد پس از جنگ سنت عظیم امریکا (ظرفی صنایع جوان و قابل انبساط و توسعه شرقی از طرف دیگر، با پشتیبانی ارتش فانتج و ژنرال های مفرور و جوان آن کشور با اروپا و دیگر نقاط جهان رو کرده بودند شار «فوق بظرف شرق» هینتر تغییر جهت مساوی یکصد و هشتاد درجه پیدا کرد و بشمار ستالی «فوق بظرف غرب» مبدل شده بود
 با این وضع اقتصادی متقلب اروپا ویران و دچار قحطی بود و اگر (اورا) «موسا تهیه خواربار امریکا برای اروپا» صدقه سری بارو پالیان غربی و شرقی امیداد میلیونها مردم در آستانه پیروزی از گرسنگی جان میدادند.
 مرد متوسط اروپایی که جانی از کوره آتش جنگ و باران فولاد مذاب بدر برده بود و با از کنار کوره های آرم سوزی و با از داشتگاههای مستغنی از توصیف چتری و یا از اسارت پشت پرده شوروی برگشته بود، با مردم متوسط دیگر اروپا که اعصاب خود را در دشمن بهاران های هوایی از دست داده بودند خاطرات و تجربیات خود را مبادله میکرد آنها در روحیات هم تاثیر مینمودند و اضطراب و نگرانی روحی خود را در یکدیگر تکان میدادند و تکمیل میکردند. میلیونها اروپایی رقم و عصب خود را بیکدیگر ساختن دیوار عظیم اتلانتیک هینتری وارد میکرد در خراب کردن آن از دست داده بودند و بعضی واقعی کله، افغادی بفرور و نیرو از برن قطرات خون سرخ خود را برای افراشتن دیواری که اروپای هینتری را همپایست، از چشم دشمن متغنی غربی نجات دهد بفرستد رسانده بودند. اروپایی که صنعت و سکن و جوانان و ویران و ثروت هادی و ممتدی خود را فدای پیروزی صلح کرده بود، پس از بدست آوردن پیروزی و صلح، خود را در آستانه فقر و شکست و جنگ نوین میدید که بدتر از گذشته، آینه نزدیک او را میدید میکند، چندین میلیون ارتش پیروزمند شوروی که سر تا پا مجهز شده و در پناه امواج دریا آماجش و سکوت نسبی خود را از دست نداده و عروس اینکته

یکی از کارگران

بقیه از صفحه ۱
 دهقانان تنگبان از دولت ملی خود میخواهند که دستور اجرای قانون آزادیاد سهم کشاورزان را از تنگبان و دهات مازندران صادر کنند.
 خبرهای رسیده از تنگبان و شهبوار حاکی است که حتی یک نفر از مالکین «مقدس» آن حدود حاضر بکسر نیست در درصد از بهره مالکانه خود نشده اند. این مالکین «مقدس» علم میاورند که گویا اسمال محصول کافی بدست نیارده اند
 واگر از محصول آن ها صدی بیست کسر شد، گویا چیزی برای آن ها نخواهند ماند!
 دهقانان هوشیار و زیرک تنگبان و شهبوار این دروغ بزرگ مالکین خود را فاش میکنند.
 آن ها اطلاع میدهند که مخصوصا اسمال محصولات زراعتی مازندران، اگر از سالهای قبل بیشتر نباشد بچوب و چه کمتر نیست و حتی در بعضی نقاط، مقدار بدست آمده محصول خیلی از حد پیش بینی شده بیشتر است
 از این جا معلوم میشود که مالکین تنگبان و شهبوار، برای پرداختن صدی بیست از بهره خود، بهانه بوجی آورده اند و گرنه بفرس هم که اسمال سالنامه محصول در مازندران میشود، تا بیری در اجرای قانون آزادیاد سهم نداشت چنانکه در لایحه مطرح است زیرا بنام محصول بچوب و چه تغلیفی بسالک داده نخواهد شد در صورت ما انتظار داریم که دولت مالکین مازندران را وادار بکسر صدی بیست نماید
 مانند اروپای بدبخت از چهار جهت زمین و هوا مورد حمله قرار گیرد تنها از راه هوا مجبور بدانه بوده است در مقابل امریکادولار امریکایی خود را ضیفوی زیون حس میکنند و حتی خود را ایالت چهل و نهم امریکایی میکنند.
 لرد های متکبر انگلیسی و چستلن های محترم که برای «عزت و هرف» انگلیسی اهمیت تاریخی قائل اند میبینند که با عزت انس ترین مردم انگلستان حتی زنان و دختران محترم انگلیسی در مقابل دلار سربازان امریکایی سخت ترین ضف را نشان میدهند.
 در این که انتقار عضویت حزب زحمتکش ملت ایران را داریم از روزیکه لایحه بیست درصد از حق تصویب گردیده و ما تقاضای حق قانونی خود را نودوم مرتباً مالکین الاطریق زانده امری در آیت و آزار ما بر آمده اند
 وزیرد لیل سه شنبه ۲۲ ۱۳۷۲۲ مالک قصبه مکرور با هادی زانده امری بصل آمده بدون هیچ سؤال و جواب اینجانبان را دستگیر و بزندان شماره ۳ قصر تحویل نمودند
 متأسفانه در این زندان بین عدهای اشخاص وطن فروش که مرتب شبکه های جری خود را علیه دولت تشکیل میدهند محبوسیم با عرایش فوق گمان می کنیم هر کس طرفدار حزب زحمتکش و وجهه ملی باشد بهبانه اینکه تقاضای حق خود را نموده باید در کتج زندان بین عدهای اشخاص ماجراجو و بیگانه پرست بسربرد لدا تقاضا دارم هر چه زودتر بوضع مسا رسیدگی و چنده سرعاله بی سرپرست از بریشانی نجات دهید و بیاز پرس شیبه ۲۹ دادسرای تهران دستور فرمایید که برای رضای مالکین زورگو بیش از این مارا زندانی ننمایند
 ۱- مسئول تشکیلات - دهقانی حزب حزب زحمتکش پشوا و حومه - سید اسامیل جواد طباطبائی
 ۲- جواد طباطبائی
 ۳- حصار ۵ حیدر حصار ۶ احمد حصار ۷ امیر حصار ۸ حبیب حاج بابائی ۹- عزت الله رحیمی ۱۰- عبداللرحیمی ۱۱- اکبر اردستانی

قابل توجه مسئولین کمیته های تشکیلات تهران
 کلیه مسئولین کمیته ها موافقت ساعت ۵ هره بعد از ظهر روز چهار شنبه (امروز) برای تشکیل جلسه در محل کلوب موقت حضور بهم رسانند.
 قابل توجه مسئولین و منشی ها و صندوقداران حوزه های حزبی
 لازمست ساعت ۶:۳۰ بعد از ظهر روز چهارشنبه (امروز) بدیرخانه تشکیلات تهران مراجعه نمایند

لباس های فصل برای تمام طبقات پارچه خوب دوخت و قیمت ارزان در جنرال مدال هزار کوچه برلن تلفن ۳۳۹۹۳

کندو و اوروزنامه ها

حالا دونفر بنام «کندوکاچی» و «جانشین کندوکاچی» تقلید نامی دوست و باشکته «کندوکاچی» و «همکار کندوکاچی» نیروی سوم را در می آورند ... ولی بقول «دردن» هنرمند بزرگ فرانسوی «هنرمندان بی هنر کسانی هستند که عینک دیگران را بچشم هیزند»

بعد از اینها، بسوی آینده در جلد «جهان بین» در تعریف مطالب روزنامه ما در جمل اخبار، به پیشرفت های کبیری نایل آمده است، این جمله «پیشرفت های کبیر» را که نوشتم، یاد آمد روزهاییکه بسوی آینده «بولتن اخبار جنگی کره» بود و این درست مقارن زمانی بود که ملت ایران علیه رژیم آذرو برای ملی کردن صنعت نفت مبارزه میکرد و بسوی آینده شدیدا از حتی کله «نفت» میگرفت و در صدر صحنه می نشست:

«نیروهای توده ای کره پیشرفت های کبیری نایل آمده اند» و حالا باز در صدر صحنه می نشیند:

«سیاست داخلی و ضد ملی دولت مصدق، بهترین کمک به سیاست تجاوز کارانه استعمار طلبانست...»

از همین جمله چپ نمای صبح که از سرمقاله بسوی آینده بیرون کشیدیم، خیلی چیزها میتوان فهمید:

اولا باید توجه داشت که بعد از قیام ملی ۳۰ تیر، شاید این اولین بار است که جریده نفت آلود بسوی آینده اصطلاح «ضد ملی» را علیه دولت مصدق بکار برده است تا روز ۳۰ تیر، اگر نه هشتمانه بسوی آینده غربال میشد، شاید چندین ستون کلمات «دولت ضد ملی و کارگر کش مصدق» از آن خارج میشد، ولی از ۳۰ تیر تا دیروز دیگر هیچیک از این کلمات در بسوی آینده بچشم نمی خورد، بسوی آینده بی نظریه اصطلاحات «خود در آوردی» را نشخوار نمی کرد ولی چه شده است که باز اصطلاح «ضد ملی مصدق» بستونهای بسوی آینده وارد شده چش و چطور شد؟

راستی بسوی آینده درسه ماه اخیر کجا بود و مگر نیدانست که در این مدت هم دولت مصدق ضد ملی است؟ چرا در فاصله ۳۰ تیر تا امروز، ذکر این خاصیت دولت مصدق متروک گردیده بود؟ فقط یک علت برای توجیه این تناقضات موجود است:

اقتیاب نوسی بود و طوفانی بود که در روز ۳۰ تیر طغیان کرد و بر پاخواست جانورها و گرمها و مارها را در دل زمین و خس و خاشاک و میکربها را در فضا، از زمین و از هوا جاروب کرد و امروز که این اقتیاب نوس آرام گرفته ی این طوفان نمیوزد، چه بهتر که مارها و میکروباها، بسوی آینده ها و دادها خواججه نور بیاورند و میرا شرافیا کم کم سراز لانه بدر کنند و تا زمانیکه طوفانی از نوع طوفان ۳۰ تیر بر پا خیزد چه مانع دارد که صداهای ناهنجاری هم از خود در دهند؟

از جمله همین صداهاست که داد و بسوی آینده باردیگر دولت مصدق را «ضد ملی» می شناسند...

نتیجه دیگری که از جمله «سیاست داخلی غلط و ضد ملی دولت مصدق...» مندرج در سرمقاله بسوی آینده عاید میگردد، اینست که بسوی آینده جرات نمیکند «سیاست خارجی دکتر مصدق را نیز «ضد ملی» بنامند، زیرا در آن صورت این منتهی حاصل میشود که هر کس در دسپاتر انگلیس را ببندد، ضد ملی است مملکت در حالیکه بسوی آینده اصطلاح پوسیده «دولت ضد ملی مصدق» را وارد بازار خود کرده است، شهباز دست طلب بسوی دکتر مصدق و حزب ما در **درازمینکندو** باردیگر تقاضا مینماید که با آن «جهت» اختلاف بنماید و خیلی جالبست که بایک شفصیت «ضد ملی» میخوانند «جهت واحد ضد استعمار» تشکیل بدهند.

علاوه بر این اقتضات که بسوی آینده و شهباز بار آورده اند بسوی آینده بسبب یبزدلی راناکان با استخراج یک بار اگراف از سرمقاله «نیروی سوم» کشف میکنند...

داد هم دیدکی از شماره های پیش مقاله هذیان آمیز صدها قدر آزاد را چاپ زده و در این «خواننامه» صدها قدر مدعی است که قطع رابطه سیاسی با انگلستان، بدستور خود انگلیس است! در باره عبدالقادر آزاد، اسکار و ایلد نویسنده انگلیسی جله ای دارد که خیلی مصداق پیدامیکند، بقول اسکار و ایلد: «نادانهای که حسن نیت دارند، جامعه ایرا بر باد میدهند» و البته در باره عبدالقادر، این «حسن نیت» را میتوان به «سوء نیت» هم تعبیر کرد... و باین ترتیب امان از نادانهای که سوء نیت هم داشته باشند».

شهباز از امضا خالی راجع به «جهت واحد» و مضامین داستانی کرده، ولی چه امضاها... و بجهت جهت اینروزها بازار مهرلاستیک سازه و غیره گرم است!

هر د آسیا در چند شماره اخیر - مدیر نفی داد را دستاورد کرده و خبرهای جالبی نیز از پیشخان «خلق های کبیر» درج کرده است

کبیر مرتزی حزب «پیشاهنگ توده» نیز همچنان از کاپاره های پاریس، نامه سرگشاده مینویسد و خیلی مطالب جالب مینویسد که خودشان را متضخ میکند، کبیر درباره مسئله نفت و فروش نفت اینطور مینویسد:

«مسئله مسامله نفت با مسامله کشتش و برنج تفاوت زیاد دارد دولتی که نفت

مبصره سستی از اقتصاد خود را برپایه

این خرید متکی میسازد و از اینرو مسئله تامین و تضمین فروش نفت برای هر کشور - خریدار اهمیت فوق العاده دارد، هیچ کشوری حاضر نخواهد شد بدون اینکه تامین کافی داشته باشد سر نوشت اقتصاد و صنایع خود را برپایه ادعای تبلیغاتی شما قرار دهد»

مخصوصا این جمله اخیر بسیار کش داد است این «کبیر» که تا چندین پیش مدعی بود دولتهای بلوک شرقی طالب نفت ایران هستند، حالا برای تیر، آنها را توجیه کتار «وزیر مختار رومانی» به آیت اله کاشانی، مدعی است که باید دولتهای خریدار تامین داشته باشند...

بمدی کتر مصدق حمله میکنند که چرا ماده ۷ را در قانون نفت جای داده است! تامین یعنی چه؟ آیا تامین یعنی اینکه ممانعت نفتی را در اختیار امپریالیتهای شرق و غرب بگذاریم؟

دکتر مصدق در ماده هفت برای جلب مشتری بیشتران سابق حق تقدم داد در این مشتریان دولتهای روس و سوفیل نیز بودند، چرا این دولتها برای خرید مستقیم نفت از ایران اقدامی نکردند و در عوض بمعاملات قفنی خود با شرکت سابق نفت هم چنان ادامه دادند؟

و اما این کبیر، خان چمبرگوب، بس است! بس است! این دکان ریای و خیانت خود را تخته کتید و اگر شما تخته نکندید، بالاخره ملت بدوره خیانت های شما پایان خواهد داد...

توضیح

در چندین شماره پیش روزنامه شاهد (از کان سابق حزب دمکستان ایران) ضمن کنداو روزنامه ها اشاره شده بود که کار (ایران - هفته نامه گرامی) با نچارسیده که نویسنده خود «رسول» را بچهر تندروری در مقاله ای راجع به سام تیر از هیئت تحریریه طرد کرده است.

لازم بنذکار است که نویسنده محبوب آقای عبدالرسول پرویزی بعد از واقعه سام تیر بهمان علت که ذکر شده بود همساری خود را با (هفته نامه گرامی) پایان داده اند.

ببابت دیگر ایشان هیئت تحریریه (ایران ما) را طرد و ترک کرده اند نه بالکس لدا با طلب بوش از نویسنده گرامی و خوانندگان عزیز نوشته مزبور را بدین ترتیب اصلا مینویسند.

ببابت دیگر ایشان هیئت تحریریه (ایران ما) را طرد و ترک کرده اند نه بالکس لدا با طلب بوش از نویسنده گرامی و خوانندگان عزیز نوشته مزبور را بدین ترتیب اصلا مینویسند.

ببابت دیگر ایشان هیئت تحریریه (ایران ما) را طرد و ترک کرده اند نه بالکس لدا با طلب بوش از نویسنده گرامی و خوانندگان عزیز نوشته مزبور را بدین ترتیب اصلا مینویسند.

ببابت دیگر ایشان هیئت تحریریه (ایران ما) را طرد و ترک کرده اند نه بالکس لدا با طلب بوش از نویسنده گرامی و خوانندگان عزیز نوشته مزبور را بدین ترتیب اصلا مینویسند.

ببابت دیگر ایشان هیئت تحریریه (ایران ما) را طرد و ترک کرده اند نه بالکس لدا با طلب بوش از نویسنده گرامی و خوانندگان عزیز نوشته مزبور را بدین ترتیب اصلا مینویسند.

جمهوری از کلیه وسائل تبلیغاتی مثل

تلویزیون، رادیو، روزنامه، میتینگ، استناد می کنند، دیروز نیز استیونس کاندیدی ریاست جمهوری از حزب دمکرات، و اینها در کاندیدی حزب جمهوریخواه، دست بیک مسافرت دو هفته ای زدند تا بنطق های تبلیغاتی و انتخاباتی مبادرت ورزند.

قانون گذاران، اطلاع داده اند که طبق قانون اساسی و رسم معمول در امریکا، ابتدا مجامعی بنام کنوانسیون در هر یک از ایالات با شرکت نمایندگان که برابر نمایندگان مجلس هستند تشکیل میشود، تا کاندیدهای ریاست و نیابت ریاست جمهوری تعیین گردد و اکنون این امر در امریکا خاتمه یافته و نامبردگان فوق الذکر برای ریاست جمهوری تعیین شده اند.

در گذشته، حزب جمهوریخواه پیوسته در انتخابات پیروزی بدست میآورد و تا سال ۱۹۲۹ با استثناء ۳ یا ۴ دوره دالما ریاست جمهوری از این حزب بود، ولی در آن سال در اثر عدم لیات و کار دانی «هورر» بحران شدیدی سراسر امریکارا فرا گرفت و از هر طرف تیر تیرت بسوی حزب جمهوریخواه شروع بیاریدین کرد، و در نتیجه روزولت قفید کاندیدی حزب دمکرات که دارای یک نقشه اقتصادی روشن و مفید بود، به ریاست جمهوری برگزیده شد و تا حال بیش از ۲۰ سال است که حزب اخیر الذکر در انتخابات پیروزمیشود

اکنون مسئله ای که واجد اهمیت است اینست که کدام یک از این دو حزب قوی امریکا در انتخابات پیروز خواهند شد و در صورتیکه یکی از دو کاندیدی فوق الذکر موفق باحراز مقام ریاست جمهوری بشوند چه تغییری در سیاست داخلی و خارجی امریکا خواهد داد؟

با سخ قست اول سوال بالا بسیار مشکل است، زیرا امریکاییان بطور کلی چندان علاقه ای به فعالیت های سیاسی ندارند و تعداد افرادی که عضویت احزاب را پذیرفته اند به نسبت جمعیت این کشور فوق العاده ناچیز است، بنا بر این در انتخابات این کشور علاوه بر شفصیت کاندیدا، تاویل کارت ها و تراست ها، تبلیغات و بول های که خرج میشود بعضی عوامل که ممکن است فقط در آخر ساعات اخذ رای پیدا شوند کاملا وضع کاندیدا را تغییر میدهند.

مثلا در انتخابات اخیر تا آخرین لحظه شاس با دیویتی کاندیدی حزب جمهوریخواه بود و قبل از آن نیز تقریبا تمام مطبوعات و معادل سیاسی و مفسرین پیروزی وی را قطعی قلمداد می کردند، ولی در اثر اینکه ترومن با ماشین شریخ

مثلا در انتخابات اخیر تا آخرین لحظه شاس با دیویتی کاندیدی حزب جمهوریخواه بود و قبل از آن نیز تقریبا تمام مطبوعات و معادل سیاسی و مفسرین پیروزی وی را قطعی قلمداد می کردند، ولی در اثر اینکه ترومن با ماشین شریخ

مثلا در انتخابات اخیر تا آخرین لحظه شاس با دیویتی کاندیدی حزب جمهوریخواه بود و قبل از آن نیز تقریبا تمام مطبوعات و معادل سیاسی و مفسرین پیروزی وی را قطعی قلمداد می کردند، ولی در اثر اینکه ترومن با ماشین شریخ

مثلا در انتخابات اخیر تا آخرین لحظه شاس با دیویتی کاندیدی حزب جمهوریخواه بود و قبل از آن نیز تقریبا تمام مطبوعات و معادل سیاسی و مفسرین پیروزی وی را قطعی قلمداد می کردند، ولی در اثر اینکه ترومن با ماشین شریخ

مثلا در انتخابات اخیر تا آخرین لحظه شاس با دیویتی کاندیدی حزب جمهوریخواه بود و قبل از آن نیز تقریبا تمام مطبوعات و معادل سیاسی و مفسرین پیروزی وی را قطعی قلمداد می کردند، ولی در اثر اینکه ترومن با ماشین شریخ

مثلا در انتخابات اخیر تا آخرین لحظه شاس با دیویتی کاندیدی حزب جمهوریخواه بود و قبل از آن نیز تقریبا تمام مطبوعات و معادل سیاسی و مفسرین پیروزی وی را قطعی قلمداد می کردند، ولی در اثر اینکه ترومن با ماشین شریخ

مثلا در انتخابات اخیر تا آخرین لحظه شاس با دیویتی کاندیدی حزب جمهوریخواه بود و قبل از آن نیز تقریبا تمام مطبوعات و معادل سیاسی و مفسرین پیروزی وی را قطعی قلمداد می کردند، ولی در اثر اینکه ترومن با ماشین شریخ

انقلاب و ارسوی

بقیه از صفحه ۱

های شهر هم باقی مانده و از ۱۷۹۳۷ عدد خانه ۱۱۹۴۶ عدد آن را از بیخ و بن نابود و بقیه را بسختی آسب رسانده اند؛ بطوریکه بقول یکی از نویسندگان معروف معاصر و شهروار سوسی در زمستان ۱۹۴۴ - ۱۹۴۵ تبدیل به تلخاکستر و ویرانه ای برای استفاده گرگهای جنگل شده و مسکن و جنگل این حیوانات توسط ساکنین نراری شهر اشغال گردیده بود.

پس، زفر و نشستی آثر انقلاب، کشتار هیچکس مسئولیت مقتولین و ویرانیهای همیده نگرفت زیرا از طرفی مأمورین آلمان نازی برش آژموده شده خود دست زده و بنام قدرت و وسائل خود برای خاموش کردن آتش ملیتان دست زده اند و از این لحاظ غیر از اینکه یک ورن دیگر بر کتاب هزاردن صحنه ای وحشی گری نازیهها اضافه گتیم کاردیگری نادریم ولی حقیقت باین سادگی نیست:

لپستان های مقیم لندن، روسای قیام و بالاخره در پشت سر آنها عده زیادی از مردم مغرب زمین عقیده دارند که دولت شوروی ارتش او صد شهر را بدست ارتش آلمان رها نموده و برای تیر نه خود این کار را یک عمل ضد انقلابی نامیده و سران انقلاب را از اینکه بدون صلاحیت و اطلاع از تاکتیک و کد احتمالی او بچنین کاری

بگذرد و ایراد سخن رانی کرد، مجددا توانست بر قفب خود توفیق جوید و در انتخابات پیروز شود.

اکنون ترومن و استیونس و یاران او از یکطرف، ازینها و هواداران او از طرف دیگر به نطق های تبلیغاتی و ایراد اتهام بیکدیگر اشتغال دارند، ازینها و ترومن را متهم میکنند که در زمان حکومت خود توانسته است از پیشرفت کونیزم پشت جلو گیری کند و در جنگ کره نیز امریکارا با شکست مواجه ساخته است، ترومن نیز او را بداشتن تمایل به ناپایم و همکاری با نازی ها و عدم اطلاع از سیاست و اینکه وی ممکن است امریکا را به لبیب جنگ بکشاند متهم می کند موزه گالوپ، که یک موزه ملی است، دود مواقع لازم باوسالی که دارد از نظریات و عقاید صوم اطلاع حاصل کرده تا در دسترس همگان قرار میدهد پس از مراجعه بمرم درباره اینکه به کاندیدهای کدام حزب رای خواهند داد این ارقام را بدست آورد:

آیزنهاور (۲) در صد رأ استیونس (۵) در صد) بیطرفان (۳) در صد) علیرغم این آمار و شفصیت ژنرال آیزنهاور مفسرین دیباچه میکنند که چون برنامه حزب دمکرات مترقی تر است و موجب رفاهیت بیشتری برای طبقات پایین جامعه میباشد

اینبار نیز حزب دمکرات در انتخابات پیروز خواهد شد و اما درباره اختلاف سیاست این دو حزب باید متذکر شویم که در امریکا احزاب از لحاظ ایدئولوژی چندان فرقی نداشته و پایه های آنها بر روی اختلافات طبقاتی استوار نگردیده و از لحاظ سیاست خارجی این دو حزب قوی امریکایچنان توفیری باهم ندارند و هر دوی آنها طالب جلو گیری از نفوذ کونیزم ایجاد اتحاد اروپا، تهیه پایگاههای نظامی از دیبا تلسلیات و وسائل دفاعی و ادامه کسک های اقتصادی امریکا بجهان می باشند

ولی از لحاظ داخلی برنامه های دمکرات هامترقی تر و مفیدتر است مثلا مطابق قانون ارتجایی «تافت هارتلی» حق انتصاب برای کارگران غیر قانونی اعلام شده استیونس می گوید که اگر به ریاست جمهوری برسد این قانون را لغو خواهد کرد ولی آیزنهاور قطعا بنامیدن آن است موافق است دمکرات ها طابا مداخله هر به بیشتر دولت در امور اقتصادی - اجتماعی هستند و به یک نقصا مطابق نقشه اعتقاد دارند در حالی که جمهوریخواهان به مبادله آزاد کوتاه شدن دست دولت از امور متقدمه و کسانی که به قواین اقتصادی مختصر آشنائی دارند فرق این دو طریق را تشخیص میدهند

درباره سیاه پوستان نیز دمکرات ها طرفدار جدی آنان هستند و بجهت جهت رای زیادی نیز از این گروه کثیر تحصیل خواهند ارد و حال آنکه جمهوریخواهان تا این اندازه به برابری سیاه پوست و سفید پوست مومن نیستند.

درباره سیاه پوستان نیز دمکرات ها طرفدار جدی آنان هستند و بجهت جهت رای زیادی نیز از این گروه کثیر تحصیل خواهند ارد و حال آنکه جمهوریخواهان تا این اندازه به برابری سیاه پوست و سفید پوست مومن نیستند.

درباره سیاه پوستان نیز دمکرات ها طرفدار جدی آنان هستند و بجهت جهت رای زیادی نیز از این گروه کثیر تحصیل خواهند ارد و حال آنکه جمهوریخواهان تا این اندازه به برابری سیاه پوست و سفید پوست مومن نیستند.

درباره سیاه پوستان نیز دمکرات ها طرفدار جدی آنان هستند و بجهت جهت رای زیادی نیز از این گروه کثیر تحصیل خواهند ارد و حال آنکه جمهوریخواهان تا این اندازه به برابری سیاه پوست و سفید پوست مومن نیستند.

دست زده بودند شده بود حمله فرار داد ولی جریان بندی و گذشتن تاریخ برده از روی نچایج برداشت ما بخاطر هشتین سال مرک ساکنین و شجاعان و ارسوی با استفاده از اسناد و مدارک غیر قابل تردید موجوده، این قسمت مهم از تاریخ بشری را مورد بحث قرار میدیم و رود ارتش سرخ بلهستان (ژانویه - ۱۹۴۴)

پس از سپتامبر سال ۱۹۳۹ ارتش سرخ برای اولین بار در تاریخ چهارم ژانویه ۱۹۴۴ در یکی از شهرهای سرحدی اوکراین بنام اولوکس و کتینو از سرحد لپستان عبور کرد.

قبلا هم در مجدم اکتبر ۱۹۴۴ حمله خود را در طول چهار صد کیلو متر در طول رود دنیپر آغاز کرده و پس از عقب زدن ارتش آلمان در آوریل ۱۹۴۴ به ترض خود پایان داده بود حمله بسوی در بیست و سوم ژوئن ۱۹۴۴ از بیلوروسی آغاز شد ارتش فیلد مارشال برخ پس از یک مقاومت چندروزه خورد و متلاشی گردید و نیروهای شوروی بسرحدات لپستان نزدیک گردیدند:

در همین موقع و موازی با پیشرفت شوروی ارتش داخلی لپستان که سران دولت لپستان مهاجر مقیم لندن مشغول فعالیت بود مبارزه و جنگ ملنی خود را بر علیه قشون اشغالگر آغاز کرد.

دولت مهاجر لپستان در فرمانی که بنام «طوفان» مشهور شده بود دستور بقیام دسته جمعی شهرها و نواحی مختلف لپستان و همکاری با ارتش سرخ صادر کرد و در دنباله این فرمان شهر و یلنو چندین شهردیگر بوسیله نیروهای داخلی آزاد گردید.

اگر در چنین موقعی همکاری کامل و صمیمی بین مبارزین داخلی و ارتش سرخ بعمل می آمد، ارتش آلمان در مدت کمی از خاک لپستان خارج و رد می شد ولی ارتش سرخ بقدری از قدرت ارتش داخلی ترس و نگرانی داشت که به مجرد اینکه استقلال یک شهر بیابان میرسد فوراً به سران نهضت داخلی دستور میداد ارتش خود را متحل کرده و بصرف نیرو های ژنرال برلینک بیبوندند.

ارتش اخیر در سال ۱۹۴۳ در روسیه وجود آسانی و اکثر افراد آن کمونیست های لپستانی مقیم روسیه و یا از کسانی تشکیل شده بود که در زمان اشغال لپستان در ۱۹۳۹ توسط شوروی بظلم روسیه برده شده بودند.

ژنرال برلینک در سال ۱۹۳۹ در حالی که درجه سرهنگی داشت باسارت قوای روسیه در آمد و پس از شکر اشدن رو با بطور روسیه و آلمان بر باست ستاد ارتش قوای ژنرال آندرس انتخاب شد و وقتی این افراد از خاک روسیه خارج شدند وی - همچنان در آن جا ماند و خود را برای اشغال لپستان پس از شکست آلمان میپا کرد.

افسران و سربازان ارتش داخلی لپستان که حاضر نشدند بقوای ژنرال برلینک بیبوندند خلق سلاح و بازداشت شده و بقیه مجبوراً این دعوت اجباری را قبول نمودند

افسران و افراد بازداشت شده با قضا این جهت است که میباید استند با کمک بارش ژنرال برلینک و الحاق باو با استقلال لپستان خاتمه می دهند، بیاز داشتگاههای روسیه و سیبری فرستاده شده و از خانواده ها محو و نابود - گردیدند

از این بعد واضح و آشکار شد که روسها بدون ضعف و تردید نیروئی را که از حکومت دیگری غیر از آنها اطاعت کرده و احتمالا در مقابل آنان مقاومت خواهد کرد خواهند گوید و خرد و نابود خواهند کرد.

تنها ارتش قانونی، نیروی ژنرال برلینک تحت رهبری مستقیم خود آن ها خواهد بود

در شوروی ارسوی سران ارتش داخلی لپستان پس اطلاع از این امر نگران شدند زیرا آن ها از مدت ها قبل در پیش خود مشغول یافتن راه و چاره ای برای ممانعت از ورود قوای شوروی بشک لپستان بودند و حتی زمانی امیدوار بودند که با کمک دولت مهاجر و لپستان قشون آلمان شکست خورد در را خلق سلاح کرده و با استفاده از این سلاح ها ارتش با تجربه شوروی را در سرحدات مملکت خود متوقف کنند ولی غیر عملی بودن این مسئله بر روی نظر آن ها را از این امر منطف نموده - تا نام

اخبار و منظره

بقیه از صفحه ۱

موسسات و کمیته های انگلیسی در ایران بر چیده خواهند شد اگر قطع رابطه سیاسی با انگلستان عملی گردد موضوع دیگری که جای نظر خواهد بود وضع موسسات و کمیته های انگلیسی در ایران خواهد بود البته در این باره عقاید مختلفی اظهار شده است.

اولیاء انگلیسی می گویند که وضع این کمیته ها بستگی به عمل خود ایشان و دولت ایران دارد و هر دو طرف صلاح دید خودشان رفتار خواهند کرد ولی این اصل مسلم است که بعد از قطع رابطه سیاسی و اقتصادی با انگلستان فلما خرید منسوجات و غیر آن موضوع های انگلیسی نیز از طرف ایران تحریم میگردد لهذا وجود کمیته های دیگر ضروری نخواهد بود بنابراین عده ای معتقدند که پس از قطع رابطه با انگلستان کمیته های موسسات انگلیسی نیز تعطیل خواهند شد.

انگلیسیها تعداد صحیح کارمندان خود را در ایران بوزارت خارجه معرفی نکرده اند

سفارت انگلیس با اینکه کار را از وزارت امور خارجه اطلاع داده شده است که تعداد کارمندان خود را بآن وزارتخانه معرفی نمایند ولی تا بحال ایشان از آن عده که کویا بیش از ۲۰ نفر میباشند فقط ۲۰ نفر را معرفی کرده اند و عده ایشان این است که اولاً چرن دوات قصد دارد رابطه سیاسی خود را قطع نماید لذا نمایندگان غیر دیپلمات میترانند در جای خود باشند و نیز میگویند که عده ای از ایشان به لندن و عراق و سایر نقاط دیگر فرستاده شده اند مسلماً این باس برای وزارت امور خارجه قانع کننده نخواهد بود.

مجلس سنا تعطیل می شود

این روزها که موضوع قطع رابطه با انگلستان مطرح گردیده است عده ای از محافل حتی در مجلس شورای ملی یعنی در اطراف این موضوع در گرفته است که آیا مجلس سنا را باید تعطیل کرد یا نه؟ ما از روز اول معقد بودیم که وجود مجلس سنا یک عنصر زائدی بیش نیست و تا بحال نیز علامت مجلس سنا نشان داده است که جز از کدکاشتن و دفن کردن طرح ها و لایحه های اساسی و عام المنفعه و بتعمیق انداختن امور اساسی مملکت کار دیگری انجام ندهد.

بنظر ما باید زودتر در این باره تصمیم گرفته شود و مخصوصاً وظیفه نمایندگان ملی مجلس شورای ملی است که در این باره تصمیم فوری اتخاذ نمایند.

آنها که فریب بهوش موعود را خورده بودند بکشور خود باز میگردند

خوانندگان اطلاع دارند که در سالهای گذشته عده ای از ارامنه که تبلیغات عناصر مشکوکی ایشان را بهیوس انداخته بود که بهوش موعود بروند و از مزایای آن استفاده ببرند و از مرحمت پدید آورنده کله و درختها مستفید گردند به آسوی مرزها روانه شده بودند ولی در اثر اوضاعی که مشاهده نموده اند دیگر از آن همه آسایش سیر شده و قصد مراجعت کرده اند چندی پیش تعداد ۷ نفر از ایشان از مرز ایران شبانه عبور کردند و هر شب نیز تعداد دیگری بدان ها اضافه می شود و تا دیروز قریب ۲۰ نفر دیگر برایشان اضافه شده است.

کنکور داوطلبین ورود بدانسکده حقوق در دانشگاه انجام میشود

بدان اعلان اینکه کنکور ورودی در مسجد سپهسالار انجام خواهد یافت بالاخره بدان بررسی های لازم مشاهده کردند که امکان امتحان در مسجد سپهسالار غیر ممکن است و باید حتما در دانشگاه امتحان بعمل آید و این تغییر مکان بوسیله روز نامه اطلاعات و غیره در معرض انکار قرار گرفت عده ای معتقدند که این تغییر محل شاید برای این بوده که با اخلالگران فرصت اخلال بیشتری پیدا کنند ولی آنطور که مخبر ما اطلاع میدهد داوطلبین بیدار و مینور پرست علی رغم تمام دسائس و توطئه های دبا و تکلیف و خطرناک توده های نفتی امتحان خواهند داد و رشدهود را تات خواهند کرد و اما از استادان شرافتمندی که قول داده اند دانشگاه را وادار کنند که از حد اکثر امکانات خود ستاده نمایند انتظار داریم که تقاضاهای حق داوطلبین را اجرا نمایند و محیط مساعدی برای رشد میکرها بوجود نیاروند.

فعالین حزب توده با آذربایجان رفته اند

بر اثر بیداری وضع فعلی که باعث رشد توده ایها گشته است و ایشان جریان را بنفع خود مشاهده نموده اند و مخصوصاً تبلیغاتی که در چند روز اخیر بنسایت ناطقهای رفیق را در منشأ در کنکر حزب کمونیست شوروی برای انداخته اند رفتار با این امیدوار کرده اند که همین روزها از ازش نجات بخش و آزادی گسترده ای برای سر از خواهد شد لذا رفقای فعال تمام سنگه یست شمال کوچ کرده اند که هر چه با شکوه تر از ازش ظفر نون شوراها استقبال کنند و این افتخار نصیب رفقای فعال گردد.

وضع دانشجویان ایرانی مقیم آلمان خوب نیست

دانشجویان ایرانی مقیم آلمان از وضع بد خود شکایت کرده اند و مخصوصاً می نویسند که مشمولین ایرانی در آلمان علاوه بر آنکه درد های ایشان را دوا نمیکند کارهای انجام میدهند که باعث سرافکندگی دانشجویان در نزد خارجیها می گردد.

وضع تحصیلی دانش آموزان رسیدگی نمی کنند

با اینکه مدتی از سال تحصیلی میگذرد و هنوز وضع عده بسیاری از دانش آموزان مخصوصاً سالهای ششم ریاضی و طبیعی در اکثر دبیرستانها روشن نشده و هنوز عده ای سرگردانند و مخصوصاً در دبیرستان مروی با اینکه کلاسهای دایر شده است ولی هنوز دبیر جهت تدریس وجود ندارد.

حزب خود را داریم

روزنامه نیروی سوم در نوشتار خود باختر امروز ما دانش آموزان دبیرستان پهلوی آمل طرفداران حزب زحمتکش ملت ایران بدین وسیله از اعمال عده ای که در این موقیت حساس بنهشتم خنجر میزنند متنفر بوده و وفاداری خود را از حزب زحمتکش ملت ایران و روزنامه نیروی سوم از گان حزب زحمتکش ملت ایران اعلام میداریم.

از طرف دانش آموزان دبیرستان پهلوی

عبدالحسین ابطلحی رضا ایپاک محمد علی ناصری

روزنامه نیروی سوم

بدینوسیله اعضای شورای نماینده وفاداری خود را با صل مکتب حزب زحمتکش ملت ایران و روزنامه گان آن «نیروی سوم» اعلام و از افعال بی رویه جاه طلبانی که با سر نوشت نهضت ملی ایران بازی میکنند اظهار تنفر می کنند.

اعضای شورای نماینده

امیر عبدالهیان، محمود و وارحمن قاضی محمد فاضل احمد سپهری

چهر فرمان

نامه من گشاده

بقیه از صفحه ۱

آقای ستوکس هم همین را می گفت که باید «تامین و تضمین فروش» نفت را داشته باشیم اومی گفت که شما نمیتوانید نفت را استخراج کرده و فرامتا را بپردازید و ما تامین نداریم که اگر نفتی از شما میخریم شما بتوانید آن را بپوشانید او می گفت ما بایه اقتصاد خود را نمی توانیم بر پایه قول و قرار که شما می دهید استوار سازیم باید کارشناسان فنی ما جریان نفت و استخراج آن را تامین و تضمین نمایند باید با ما از آزادی برای ۲۵ سال بقدر زیاد بیندید تا ما پایه و اساس اقتصاد خود را بر آن بنا کنیم.

باز هم در جملات زیر بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران عن این اتماماتی را که درم آرا از لحاظ عدم ظرفیت فنی بملت ما می زد بیانیه نامبرده تکرار می کند و برای ستاد زحمتکش جهان تضمین و تامین تقاضا می کند تا بتواند از نفت مسا استفاده کند:

« حتی شما تا چند روز پیش اساننامه شرکت ملی نفت را نگذرانده بودید ... باین ترتیب چگونه ممکن است تقاضا داشت که دولتتهای که تمام اقتصاد باستان طبق نقشه های دقیق تنظیم میشود سر نوشت قسمتی از اقتصاد با خود را بر روی بنای کاغذی تبلیغات شما قرار دهند ... اقدامات شما برای پراختن صنایع نفت جنوب در تمام مدت حکومتتان فوق العاده سطحی و ظاهری و بی پایه بود» ملاحظه میشود که سخن پردازی عینا همان جمله بندیها و استدلال های تراست های نفت و مزدوران فرور ماب ایشان است.

این دروغنامه موسوم بنامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده بدون افران با وناحت بی سابقه می نویسد: « خریدارانی که واقعا طالب نفت هستند و در همین حال بجا کتبت ملی ما باده اجتناب می نگرند (اگر باور ندارند) از پیشه ووی بیرون سندی بر روی (سوم) و چشم طمع بپوش ماندارند (اگر باور ندارند) از کفایت ارزده و ساد و بیچک و قوام بیرسیه (نیروی سوم) که نرانیه بلکه با تمام قوا آنها را دور نمودید (جل الخالق) ... دوم کشورهایی هستند که آزادند (۱) آنها بکرات خود را داوطلب خرید نفت ایران اعلام داشته اند ولی با جواب رد قطعی شما (کمیته مرکزی حزب توده ایران) فراموش کرده است که او مدعی ایرانی بودن است. ما شما که هستیم غیر از آنکه ما ایران و شما وکیل مدافع شوروی هستیم» (نیروی سوم) و نمایندگان روسی دولت شما رو برو شدند ...

روزنامه بسوی آینده مانند روزنامه های مغربی در این مدت دائما از لزوم «قطع مذاکره برای همیشه با این تراست های دنیای سرمایه داری» بحث می کردند ما دائما از آنها سؤال می کردیم که اگر دکتر مصدق با سرمایه داران که خریدار نفت اند و وسائل حمل و نقل را در دست دارند «برای همیشه» مذاکره را قطع کنند پس چه کند آنگاه در این باره با بخورند ؟ در حالیکه شوروی و دول شرقی نیز خریدار نیستند پس دولت چگونه اگر مذاکره را قطع کند مسئله نفت نکند ؟ بالاخره کمیته مرکزی جواب ما را داد معلوم شد که گویا سفیر روسی و سایر امور دین شوروی و دول دست نشانده خودشان نیندند که نفت لازم ندارند و کمیته مرکزی حزب توده ایران با وناحت ادعا میکنند که آنها موافق طالب نفت بوده اند و این دکتر مصدق بوده است که نخواست با آنها توافق مذاکره شود؛ حالا معلوم میشود عیب کار کجا بوده کمیته مرکزی ما روشن میکنند که آنها نفت لازم دارند ولی «تامین و تضمین» میخواهند نامه سرگشاده کمیته مرکزی بالاخره در این باره «تامین و تضمین» را در سخنان نامه دوازده ستونی در چند سطر مختصر و مفید با خط دوازده سیاه اعلام کرده است:

۱- مذاکره با امپریالیست های انگلیسی و امریکایی بیدرنگ قطع گردد

۲- جاسوسان امریکایی (قطع رابطه سیاسی منظور است نیرو - سوم)

از کشور ما خارج گردند

۳- نمایندگان مداخله جوی امریکا و انگلیس از ایران طرد شوند

پس از این قطع رابطه سریع و جدی با دنیای غرب نتیجه گرفته میشود:

۴- دولت مستقیب روسا با کشورهای که با کتبت ملی ما احترام میکنند (گویا از نوع احترامی که از برای ای روسی لهستانی و رومانی شده به ملل آنان می گذارند - نیروی سوم) «برای فروش نفت وارد مذاکره شود» آنچه از همه قابل توجه تر است نتیجه نهایی است که گرفته میشود: «۵- دولت در سیاست داخلی و خارجی خود بر اساس همین تغییر روش در مسئله نفت تغییرات بدهد یعنی آزادیهای دموکراتیک (فرقه دموکرات) را تامین نماید ...

نامه سرگشاده کمیته مرکزی علاوه بر تکرار اتهامات مبتذل و نسبت دادن اخلالگریهای مدام خود را به نهضت ملی ایران و پس از آنکه تمام موقیت های نهضت ملی را معکوسا بنام خود ثبت نماید و از موسسات ثبت اسناد ستاد زحمتکش شواهدی برای ادعای خود می آورد سرسند را از نمایندگان مجلس شورای ملی ایران بعنوان اعتراف آنان برای نهمت های خود ذکر می کند که مربوط به آقایان مهندس وزیران و مهندس و مهندس رضوی است. کمیته مرکزی خیلی عصبانی است که چرا دکتر مصدق مطابق توصیه مهندس حبیبی فوراً و بلا درنگ پس از وصول جواب نیتنامه مساعد اچمن و ایدن روابط را قطع نکرده و مسئولیت قطع رابطه را عوض آنکه بگردن انگلیسیها بیاندازد خود بمره گرفته اینطور مینویسد: «اینرا حتی مهندس حبیبی مشاور شما که باسراچمن ایدن» تکرار همان پیشنهادات سابق و کوشش برای دفع الوقت است راهی جز قطع ارتباط با دولت انگلیس و تغییر جوی سیاست وجود ندارد» نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده از گفته های آقایان نریمان و مهندس رضوی اینطور نتخاضند کرده است

نریمان در مجلس رسماً اعتراف کرد که جاسوسان نظامی امریکا بزرگان «و اسراران مادر برادر کنی میدهند و در توطئه سی تیر شرکت داشتند»

« مهندس رضوی در نطق خود اعتراف کرد که مداخله جویان امریکایی «میگوشند تا کشور ما را بیاکند» و دشمنی خود را با ملت ما را برای ایجاد « جنگ جهانی بکار برند »

« کمیته مرکزی که گویا «حافظه ندارد» از عملیات «جاسوسان امریکایی» بحث با بیان می آورد از جمله می نویسد: «مقامات این کار (تصاحب نفت ایران) بوسیله میلیس جاسوس امریکایی که بوسیله قوام بایران خوانده شد» آقایان فراموش کرده اند که کمیته مرکزی بنشینان استخدام مستشاران امریکایی برای تقویت «بشت جبهه ستاد زحمتکش جهان» همان روزنامه های توده ای بودند که در ایشان بهمان قوام بنسایت گرفتن امتیازاتی مشابه امتیازات زمان جنگ انگلیس و امریکا «بزرگترین سیاستمدار خاورمیانه» لقب داده بود. البته اینگونه بنشینانی از میلیس جاسوس «برای کمیته مرکزی عیب نیست اما چون مصدق از روی نزاکت سیاسی ترمون را «حضرت رئیس جمهور» خطاب کرده است کمیته مرکزی اینرا برای مصدق جرمی تلقی کرده و او را مزدور امریکا معرفی میکند.

باری اینکه مدتها بود روزنامه های توده ای و جرائد و جمعیت های همگام میکنند که با این نفت خواران سرمایه دار مذاکره نکنند و از بابان توده ایها همگام نمی خریدند حالا سر آن را کمیته مرکزی کشف میکند و معلوم شود که لازم است «تامین و تضمین» برای شوروی که گویا خریدار واقعی نفت ماست داده شود و و این تامین و تضمین نیز با دادن «آزادیهای دموکراتیک» از نوع آزادیهای است که پیشه ووی و غلام یعنی برای خود بدست آورده بودند و برای مردم ایران سوغات آورده بودند کمیته مرکزی حزب توده ایران تنها کاری که نکرده فقط با صراحت نگفته است که اقلا قسمتی از ایران باید به پشت پرده آهنگین رود تا مسئله نفت حل گردد.

کمیته مرکزی در سخنان مینویسد:

« آقای دکتر مصدق روش شما در این ساعات بحرانی در قبول یار در راهی

برای رفقای حزبی

بقیه از صفحه ۱

که علیرغم وجود خود حاضرند به بردگترین جنایات دست بزنند و قبح آنرا نیز درک نکنند. اما خوشبختانه عده نسبتاً قابل ملاحظه ای از روشنفکران و کارگران در طی این آزمایش وصل به اسرار این تکلیف عظیمی بردند و بطور فرمی بایک جهان بینی جدید مسلح شدند.

این جهان بینی و مکتب اجتماعی و فلسفی را با وجود اینکه برای اولین بار حزب توده عرضه کرده بود ولی باید با صراحت تمام اعلام کرد که رهبران نسبت به آنچه صادق نبودند و بیسه قوت آن ایامی نداشتند و مبتکرین این مکتب تصور کرده بودند که آنچه را که خود داده اند قادر خواهند بود پس بگیرند و از همه کسانی که با خاطر آن ایدئولوژی بشت آنها رو بیاورند همچنان که ایدئولوژیست ها بوده است همیشه های متحرکی بسازند که باند گویان ایدئال ها و فقه های مستکوب باشند.

چون خود حزب توده به صحت و قوت ایدئولوژی که عرضه کرده بود ایمان نداشت پس از آنکه نتوانست همه کافی از عناصر منتخب تربیت کند ایدئولوژی در راه ناموده و حتی آن را مسخ کرد و بدور انداخت ولی آنچه که توده بزرگ مردم را به در حزب توده جمع میکرد به هیچ وجه مقاصدشوم مغربی آن حزب نبود بلکه همان شعارهایی بود که حزب مزبور بدو بخ اعلام داشته بود (بر علیه هر گونه استعمار کشور ایران مبارزه کنید- کارگران «قانون پیشه ووران بر علیه ارتجاع متعصب شوید»)

تقاضای نفت برای روسها

از طرف حزب توده و همکاری گسترش بر سر غارتجاء ایران قوام السطنه به توده مردم نشان داد که این حزب نسبت به شعارهای خود وفادار نیست و این امر را برای هدایای غیر ملی و خبیانت کارانه خود قرار داده است لذا حزب توده با سرعت از طرف توده مردم طرد شد پس از مدتی که تمام قدرت عمل خود را از دست داد و بطور خالص تبدیل به آل ت دست سیاست شوروی گردید.

ولی آنچه که توده مردم را به مشکل

شدن و مبارزه و امید داشت از نیات و هدهای

حزب توده مستقل بود مردم برای نیل به

یک زندگی بهتر و برای مبارزه بر علیه

استعمار و ارتجاع احتیاج به تشکیلات و

فما لیت داشتند که متافاهه حزب توده تا

مدنی عنوان انحصاری آن تشکیلات را

دزدیده بود

مبارزه نفت تا اندازه ای راه را باز کرد

و برای آن قسمت از احتیاجات مبارزه ای

ملت که در جهت کوبیدن استعمار و بیرون

راندن نفوذ بیگانگان بوده آزاده خود

را بشکل جمعی ملی مجسم و متشکل ساخت

و تا آنجا که امروز هر ناظری شاهد است

علیرغم کار شکنی های تمام جناحها و

مخصوصاً حزب توده به پیشرفت های زرگی

نا امل آمد

ولی هم اکنون بیک احتیاج مبرم

دیگر ملت ما پاسخ کافی لازم است ملت ما

با ذخیره بزرگی از نیروی انقلابی که در

طی مبارزه اخیر بنهست آورده است

آمادگی کافی دارد تا بر علیه پایگاه اصلی

نفوذ بیگانه در ایران یعنی ارتجاع داخلی

ببجنگد ولی این استعداد مبارزه ای بدون

داشتن رهبری ترقی که از طرف تشکیلات

محکم عملی شود غیر ممکن است حزب

ما در طی مبارزه بزرگ ضد استعماری بر

علیه شرکت سابق نفت امتحانات خود

را داده است و آنچه را که ملت برای

نهاییین لازم داشته مرش نموده است حزب

ما و ادات ایدئولوژی مبارزه ای تمام زحمتکش

جهان است و از طرف دیگر چون خود زائیده

مبارزه ملی است این ایدئولوژی

را درنگ ملی داده است و توانسته تمام

احتیاجات محلی را در تنظیم این ایدئولوژی

در نظر بگیرد و از همه مهتر این کس در

طی مبارزه ملی نشان داد و ثابت کرده است

که نسبت به این ایدئولوژی تا چه اندازه

« که ما شما از راه میدهم (۱) میتوان در جریان آینده تاثیر قابل ملاحظه

داشتند باشد »

واقعا خیلی مضحک است در موقتی که هنوز برده این آقایان آنطور که

باید بالاترفته بود دکتر مصدق همیشه راه ملت ایران را در سیاست خارجی میرفت

حالا پس از تاسیس کمیته رفیق این تصورهای را بخود راه میدهند که پس از

موقیت نهضت ملی تازه دکتر مصدق «راهی را که» عمل اراده کمیته رفیق باو نشان

میدهند. بروید

نه کمیته مرکزی حزب توده یعنی شعبه کمیته رفیق در ایران و نه مزدوران انگلیس

در ایران هنوز نمیخواهند درک کنند که غیر از برای آندو راه ملت ایران بوسیله

نهضت ملی ساخته و پرداخته شده است و ما غیر از این راه راه دیگری را

نمی شناسیم